



Cultural Capital Among Medical University Students: Analysis of Dimensions and Demographic Differences

Mojtaba Abdi¹ | Bahman Bayangani² | Masroor Nazari³

1. PhD Student in Sociology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: pouriaabdi@gmail.com

2. Corresponding Author, Department of Sociology and Communication, Faculty of Humanities and Social Sciences, Golestan University, Gorgan, Iran. Email: b.bayangani@gu.ac.ir

3. MA in Theoretical Economics, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Email: masroomnazari1994@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received 26 August 2024

Received in revised form 29

September 2024

Accepted 10 March 2025

Published online 9 April 2025

Keywords:

Cultural capital dimensions,
Cultural reproduction, Pierre
Bourdieu, University, Medical
students

ABSTRACT

Culture, particularly cultural capital, plays a pivotal role in societal development, prompting all nations to systematically enhance various dimensions of sustainable development within internationally recognized frameworks, according to their respective capabilities, resources, and management capacities. The cultural advancement of societies fundamentally depends on nurturing cultural capital among social actors at micro, meso, and macro levels. Through systematic assessment and continuous monitoring of this capital across target populations, evidence-based policymaking and scientific planning can be effectively implemented to foster cultural development. Higher education institutions represent one of society's most valuable resources for progress while simultaneously serving as platforms where students, as key social actors, emerge as primary catalysts for cultural and social transformations. Accordingly, this study examines the status and dimensions of cultural capital among medical students in Iran, considering its critical importance as a component of social change and the role of universities in producing and transmitting this form of capital. Grounded in Bourdieu's theory of cultural capital and focusing on its three dimensions (objectified, embodied, and institutionalized), the research *examines the status of cultural capital and its dimensions* among students while investigating whether universities genuinely cultivate authentic cultural capital or merely reproduce its formal aspects.

This quantitative survey study employed a multistage sampling approach to select 21,000 medical students nationwide. Data were collected using standardized instruments measuring three dimensions of cultural capital: (1) objectified capital (ownership of cultural goods), (2) embodied capital (internalized skills and dispositions), and (3) institutionalized capital (academic credentials). Both descriptive and inferential statistical methods were utilized to analyze overall cultural capital levels and their variations across key demographic variables, including gender, enrollment year, and academic level.

The findings revealed that students' overall cultural capital levels were below average. Significant dimensional variations emerged: (1) objectified cultural capital was more prominent among female students, senior years, and doctoral candidates; (2) embodied cultural capital was stronger among male students, middle/lower academic years, and higher degree levels; (3) institutionalized cultural capital predominated among female students, senior years, and advanced academic levels. Crucially, the results indicate that universities primarily focus on reproducing formal cultural capital (academic credentials and cultural possessions) rather than fostering authentic embodied capital, revealing a fundamental disconnect between institutional functions and comprehensive cultural development.

These findings highlight the need for immediate educational policy reforms to promote balanced development across all dimensions of cultural capital. Rather than overemphasizing credentials and tangible assets, policies should prioritize cultivating internalized cultural competencies. Universities can significantly enhance their role in enriching students' cultural capital through comprehensive curricular and programmatic reforms. This study recommends future research to develop practical strategies for bridging current gaps and rebalancing cultural capital dimensions within higher education systems, ultimately contributing to more holistic cultural development in society.

Cite this article: Abdi, M., Bayangani, B., & Nazari, M. (2025). Cultural capital among medical university students: Analysis of dimensions and demographic differences. *Sociological Review (Social Science Letter)*, 32 (1), 83-105.

DOI: <http://doi.org/10.22059/JSR.2025.398965.2059>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/JSR.2025.398965.2059>



سرمایه فرهنگی دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی:

تحلیل ابعاد و تفاوت‌های جمعیت‌شناختی^۱مجتبی عبدی^۱ | بهمن باینگانی^۲ | مسرور نظری^۳۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه: pouriaabdi@gmail.com۲. نویسنده مسئول، گروه جامعه‌شناسی و ارتباطات، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران. رایانامه: b.bayangani@gu.ac.ir۳. کارشناسی ارشد اقتصاد نظری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: masroomazari1994@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	این پژوهش با توجه به اهمیت سرمایه فرهنگی به عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی تحولات اجتماعی و نقش نهاد دانشگاه در تولید و انتقال این سرمایه، به بررسی وضعیت سرمایه فرهنگی و ابعاد آن در میان دانشجویان علوم پزشکی کشور پرداخته است. مطالعه حاضر با اتکا بر نظریه سرمایه فرهنگی بورديو و با تمرکز بر سه بعد عینیت‌یافته، تجسم یافته و نهادینه‌شده، به روش کمی پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش شامل دانشجویان علوم پزشکی سراسر کشور بوده که با روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای و حجم نمونه ۲۱۰۰۰ نفر مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد سطح کلی سرمایه فرهنگی دانشجویان کمتر از حد متوسط است. همچنین تفاوت‌های معناداری در ابعاد سه‌گانه سرمایه فرهنگی بر اساس متغیرهای زمینه‌ای جنسیت، سال ورودی و مقطع تحصیلی مشاهده شده است: در بعد عینیت‌یافته، دانشجویان دختر، سال‌های بالاتر و مقطع دکتری؛ در بعد تجسم‌یافته، دانشجویان پسر، سال‌های میانی و پایین‌تر و مقاطع تحصیلی بالاتر؛ و در بعد نهادینه‌شده، دانشجویان دختر، سال‌های بالاتر و مقاطع تحصیلی بالاتر وضعیت بهتری داشته‌اند. در عین حال یافته‌ها نشان می‌دهد دانشگاه به عنوان نهاد آموزشی، در عمل بیشتر به بازتولید اشکال صوری سرمایه فرهنگی (مدارک و مالکیت کالاها) می‌پردازد تا پرورش سرمایه فرهنگی اصیل (تجسم یافته). بر این اساس یافته‌های حاضر بر ضرورت بازاندیشی در سیاست‌های آموزشی در جهت حرکت به سمت پرورش همه‌جانبه سرمایه فرهنگی در دانشگاه‌های علوم پزشکی تاکید دارد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۵	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۷/۰۸	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۰	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۲۰	
کلیدواژه‌ها:	
ابعاد سرمایه فرهنگی، بازتولید فرهنگی، پی‌یر بورديو، دانشگاه، دانشجویان علوم پزشکی.	

استناد: عبدی، مجتبی؛ باینگانی، بهمن و نظری، مسرور (۱۴۰۴). سرمایه فرهنگی دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی: تحلیل ابعاد و تفاوت‌های جمعیت‌شناختی.

مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی سابق)، ۳۲ (۱)، ۸۳-۱۰۵.

DOI: <http://doi.org/10.22059/JSR.2025.398965.2059>

© نویسندگان: نویسنده‌گان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

^۱ این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «پیمایش ملی سرمایه فرهنگی دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور» است که به سفارش معاونت فرهنگی و دانشجویی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی انجام شده است.

مقدمه

یکی از اتفاقات مهمی که در دهه ۱۹۸۰ رخ داد و اهمیت فرهنگ و نقش آن در تحولات گوناگون را مورد تاکید قرار داد، بحث چرخش فرهنگی بود. اگر تا قبل از چرخش فرهنگی، فرهنگ به مثابه متغیری وابسته و برابند متغیرهای دیگر به‌ویژه اقتصاد و سیاست فرض می‌شد، بعد از چرخش فرهنگی، گفتمانی شکل گرفت که اهمیت و نقش فرهنگ و مولفه‌های فرهنگی در سرنوشت گروهها، ملت‌ها و جوامع را برجسته می‌کرد. در همین بستر و شرایط خاص است که مک گوئیگان می‌گوید امروزه « فرهنگ به درمان همه دردها بدل شده است» (مک‌گوئیگان، ۱۳۹۷: ۱۵). بعد از چرخش فرهنگی، مفاهیمی مانند اوقات فراغت، مصرف، سیاست‌های هویتی و بسیاری از مفاهیم فرهنگی دیگر اهمیت یافت تا جاییکه کیت نش معتقد است فهم جهان امروز لازمه‌اش فهم چگونگی نقش فرهنگ در تولید و مصرف است (نش، ۲۰۰۱: ۷۹). به عبارت دیگر، در جهان امروز اقتصاد و فرایندهای اقتصادی نیز از طریق فرهنگ و مولفه‌های فرهنگی عمل می‌کنند و فرهنگ تاحد زیادی در جهت کنترل فرایندهای اقتصادی پیش رفته است (پریستون، ۲۰۰۵: ۶۰). در نتیجه چرخش فرهنگی، فرهنگ و مولفه‌های مربوط بدان تا آنجایی اهمیت پیدا می‌کند که یونسکو دهه پایانی سده بیستم میلادی را به دهه فرهنگی نامگذاری می‌کند (عزتی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۸). یکی از مفاهیمی که بعد از چرخش فرهنگی در سطح تئوریک و تحلیلی اهمیت پیدا کرد و ترکیب اقتصاد و فرهنگ به خوبی در آن متجلی شده است مفهوم سرمایه فرهنگی است. همگان اتفاق نظر دارند که جعل این مفهوم برای اولین بار از سوی پی‌یر بوردیو، جامعه شناس فرانسوی بود (باینگانی و کاظمی، ۱۳۸۹).

هدف بوردیو از ابداع این مفهوم نشان دادن نقش عوامل غیر اقتصادی در موفقیت تحصیلی است. زیرا که قبل از وی بیشتر نقش عوامل اقتصادی در موفقیت تحصیلی مورد تاکید بود به عبارت دیگر وی فرهنگ را همانند نوعی دارایی و سرمایه می‌داند که نقش مهمی در شکل گیری روابط طبقاتی دارد (ذکایی، ۱۳۹۴: ۱۷۲). بنابراین با توجه به نقش و اهمیت فرهنگ و به‌ویژه سرمایه فرهنگی در توسعه فرهنگی، تمام جوامع - با توجه به سطح توانمندی و امکانات و البته مدیریت خود - تلاش می‌کنند، هدفمندانه و در چارچوب شاخص‌های مورد اجماع در سطح بین‌المللی، در هر حوزه از توسعه پایدار به ارتقای بیشتری دست یابند. بر همین اساس، یکی از ارکان ارتقای سطح فرهنگی جوامع - و به تعبیر ساده، توسعه فرهنگی - توجه به سرمایه فرهنگی کنشگران نظام اجتماعی در سطوح خرد، میانی و کلان است و در همین زمینه، می‌توان، با ایجاد شناخت و رصد پایدار و مستمر میزان این سرمایه در هریک از گروه‌های هدف، برای ارتقا و بهبود آن به شکل دقیق و علمی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کرد. در این میان، نهاد آموزش عالی از یکسو یکی از بارزترین منابعی است که جامعه برای پیشرفت و توسعه در اختیار دارد و از سوی دیگر دانشجویان به عنوان کنشگران اجتماعی، زمینه سازان اصلی تحولات و تغییرات فرهنگی و اجتماعی هستند (خوش‌فر، ۱۳۹۷: ۱۶). بدیهی است که موفقیت دانشگاه در ایفای وظایف اجتماعی خود در زمینه توسعه و به‌ویژه توسعه فرهنگی هنگامی میسر می‌شود که مهمترین کنشگران دانشگاهی، یعنی دانشجویان از ابزار لازم برای این کار، یعنی سرمایه فرهنگی برخوردار باشند. از این رو شناخت وضعیت سرمایه فرهنگی دانشجویان مخصوصاً بر اساس مناطق مختلف می‌تواند ما را نسبت وضعیت نهاد دانشگاه و توانایی آن در انجام وظایف محوله یاری رساند. بر این اساس هدف غایی مطالعه حاضر شناسایی وضعیت سرمایه فرهنگی در میان دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور و سنجش آن بر اساس تفاوت‌های جمعیت شناختی است. به عبارت دیگر پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به سوالات زیر است:

- میزان سرمایه فرهنگی و هر یک از ابعاد آن (نهادینه شده، تجسم یافته و عینیت یافته) در دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور چقدر است؟

- میزان سرمایه فرهنگی نهاده شده بر اساس متغیرهای زمینه‌ای جنیست، سال ورودی و مقطع تحصیلی چه تفاوتی با هم دارد؟
- میزان سرمایه فرهنگی تجسم یافته بر اساس متغیرهای زمینه‌ای جنیست، سال ورودی و مقطع تحصیلی چه تفاوتی با هم دارد؟
- میزان سرمایه فرهنگی عینیت یافته بر اساس متغیرهای زمینه‌ای جنیست، سال ورودی و مقطع تحصیلی چه تفاوتی با هم دارد؟

پیشینه پژوهش

پیشینه نظری

سرمایه فرهنگی به کل دستاوردهای فرهنگی اشاره دارد که افراد به شیوه‌ای موروثی یا از مجاری گوناگون در طول عمر خود بدست آورده‌اند (آوچی و همکاران^۱، ۲۰۲۰: ۱۷۳). این مفهوم همانطور که قبلاً گفته شد برای نخستین بار توسط بوردیو ابداع و به کار رفت (سیلوا، ۲۰۱۷، باینگانی و کاظمی، ۱۳۸۹). البته رد و اثر مفهوم سرمایه فرهنگی را در کارهای سایر جامعه‌شناسی مثل وبر، دورکیم، زیمل، کالینز و پارسنز می‌توان پی‌گرفت. این اندیشمندان اگرچه خود مفهوم سرمایه فرهنگی را مورد استفاده قرار نداده‌اند، اما توجه زیادی به اجزاء فرهنگی زندگی و موقعیت اجتماعی افراد داشته‌اند (نیچیتایلو و همکاران^۲، ۲۰۲۲: ۱۵۹). بوردیو این مفهوم را برای اولین بار به کار برد تا نشان دهد برای تبیین اجتماعی نابرابری‌های آموزشی تنها توجه به عوامل اقتصادی کافی نیست. بلکه به باور وی عادات واره‌های فرهنگی و خصایل موروثی نقش مهمی در موفقیت آموزشی ایفا می‌کنند (به نقل از وینگر و لیروا، ۱۳۹۳: ۴۸). طرز تلقی بوردیو نسبت به فرهنگ، نقش مهمی در تصور وی از سرمایه فرهنگی دارد. وی همانند جامعه‌شناسانی مثل پارسنز و هابرماس فرهنگ را قسمی نظم هنجاری مشترک یا دارای ماهیتی استدلالی نمی‌داند بلکه برای وی فرهنگ پیوندی ناگسستنی با قدرت دارد و کانون رقابت و کشمکش است (دلانتی، ۱۳۸۶: ۱۵۰).

بر این اساس مفهوم سرمایه فرهنگی پیوند تنگاتنگی با بازتولید نابرابری‌ها دارد. بدین معنا که از نظر بوردیو نظام آموزشی، بر خلاف تفکر متعارف، در بازتولید نابرابری‌ها نقش مهمی دارد (همان، ۱۴۷). به بیان دیگر، بوردیو برخلاف نظر توکویل که معتقد است مدرسه یکی از ابزارهای مهم تحقق برابری است، بر این باور است که مدرسه نه تنها نابرابری‌های اجتماعی را کاهش نمی‌دهد بلکه نقش مهمی در بازتولید آن‌ها هم ایفا می‌کند. بوردیو در این مطالعات ادعا می‌کند که فرهنگ نهادهای آموزشی، فرهنگی خاص، یعنی فرهنگ طبقه مسلط است که به فرهنگ مشروع، یعنی بی‌چون و چرا تبدیل شده است (بون ویتز، ۱۳۸۹: ۱۳۲).

درباره تعریف سرمایه فرهنگی نیز تعریفی که بوردیو از فرهنگ ارائه می‌دهد کاملاً با تلقی وی از فرهنگ سازگار است. بوردیو، به‌عنوان یک جامعه‌شناس انتقادی، تعریفی از فرهنگ ارائه می‌دهد که بسیار به تعریف ماتیو آرنولد نزدیک است؛ یعنی نگاهی نخبه-گرایانه به فرهنگ دارد (لیزاردو^۳، ۲۰۱۱: ۳-۱). از نگاه آرنولد فرهنگ مجموعه‌ای از دانش درباره بهترین چیزهایی است که در جهان گفته و اندیشیده شده است. به عبارت دیگر فرهنگ به معنای تلاش برای فهم بهترین‌ها و کوشش در جهت گسترش این فهم به نفع همه بشریت است (استوری^۴، ۲۰۰۹: ۱۸). بر همین اساس بوردیو موقعی که سرمایه فرهنگی را تعریف می‌کند سرمایه فرهنگی را به معنای آگاه بودن یا داشتن دانش درباره اشکال بسیار قابل احترام فرهنگ مثل هنرهای تجسمی، موسیقی کلاسیک، اپرا و غیره می‌داند (انگلس، ۲۰۰۵: ۲۴). در این تعریف کاملاً مشخص است که بوردیو بسیاری از فعالیت‌های مربوط به فرهنگ عامه را جزو سرمایه فرهنگی تلقی نمی‌کند و بیشتر آن دسته از دانش و فعالیت‌هایی را مدنظر دارد که مربوط به طبقات بالای جامعه است. البته از

¹ Avci et al.

² Nechitailo et al.

³ Lizardo

⁴ Storey

آنجایی که بورديو جزو آن دسته از جامعه شناسانی است که نظریات خود را در نتیجه مطالعات تجربی ارائه داده است (وینگر و لیروا، ۱۳۹۳: ۴۸) بنابراین به خوبی ابعاد این مفهوم را هم روشن ساخته است. از نظر بورديو (۱۳۸۴: ۱۴۷-۱۳۷)، سرمایه فرهنگی می تواند به سه شکل وجود داشته باشد: حالت «تجسم یافته»^۱، یعنی به شکل خصایل دیرپای فکری و جسمی؛ در این حالت سرمایه به کالبد ربط پیدا می کند و مستلزم تجسم یافتن در بدن است. این شکل از سرمایه فرهنگی نیازمند کار و زحمت روی بدن است و به راحتی قابل خرید و فروش یا هدیه دادن یا به ارث بردن نیست. حالت «عینیت یافته»^۲، یعنی به شکل تملک یا مصرف کالاهای فرهنگی (تصاویر، کتابها، لغت نامه ها، ادوات، ماشین آلات و...) است؛ شکل عینیت یافته سرمایه فرهنگی در اشیای مادی و رسانه ای چون نوشته ها، نقاشی ها، بناهای تاریخی و ابزارها عینیت می یابد و برخلاف سرمایه فرهنگی تجسم یافته، قابل انتقال و به ارث بردن است. و در نهایت حالت «تهادینه شده»^۳، که به شکل مدارک و مدارج آموزشی نمود می یابد. این بعد از سرمایه فرهنگی امکان مقایسه یا جایگزینی افراد به جای هم را فراهم می کند و به راحتی قابلیت تبدیل به سرمایه اقتصادی را دارد.

درباره اینکه سرمایه فرهنگی چگونه کسب می شود، بورديو دو منبع عمده آن را خانواده و آموزش رسمی می داند (سالیوان^۴، ۲۰۰۳: ۳). در مورد خانواده بورديو بر این عقیده است که افراد عادت و اره های فرهنگی خود را در وهله نخست از خانواده بدست می آورند و مخصوصاً طبقه اجتماعی والدین که ترکیبی از سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی آنهاست نقش مهمی در شکل دهی به سرمایه فرهنگی فرزندان ایفا می کند. به عبارت دیگر، سبک زندگی فرهنگی والدین در جریان جامعه پذیری فرهنگی به کودکان منتقل می شود. در عین حال میزان تحصیلات والدین هم در این فرایند نقش مهمی دارد (ویلکینز و لیونز^۵، ۲۰۱۴: ۱۰۰). درباره آموزش رسمی نیز بورديو بیشتر از همه بر نقش مدرسه در شکل گیری سرمایه فرهنگی تمرکز دارد. در واقع می توان گفت از نظر وی مدرسه مکمل نهاد خانواده است، به طوری که مدرسه سرمایه فرهنگی به ارث برده شده از خانواده را به سرمایه فرهنگی تحصیلی تبدیل می کند. و این شکل متاخر سرمایه فرهنگی بسیار مستعد آن است که به صورت موفقیت و دستاورد فردی نمایان شود (وینگر و لیروا، ۱۳۹۳: ۴۹).

البته مطالعات بعدی نشان داده است که دانشگاه ها نیز نقشی چندوجهی در تقویت سرمایه فرهنگی دارند و به عنوان کانون های کلیدی برای کسب، توسعه، شناخت و حتی بازتولید ساختارهای موجود در آن عمل می کنند. در واقع دانشگاه ها با ارائه آموزش رسمی، دانش و مهارت های متنوع، به عنوان منبع مستقیم سرمایه فرهنگی عمل می کنند (ذکایی، ۱۳۹۵؛ سپهرنیا و همکاران، ۱۳۹۴). علاوه بر این دانشجویانی که با سطح بالاتری از سرمایه فرهنگی وارد سیستم دانشگاهی می شوند، بهتر می توانند مهارت های مورد ارزش این سیستم را کسب کرده و به پیشرفت تحصیلی دست یابند (به نقل از حیدری گرجی و جباری، ۱۳۹۳: ۱۳). همچنین دانشگاه ها نقشی حیاتی در پرورش سواد فرهنگی و درک هنری ایفا می کنند؛ زیرا آنها به دانشجویان می آموزند که چگونه آثار هنری را «رمزگشایی» کنند و چگونه به مصرف کنندگان آگاه محصولات فرهنگی تبدیل شوند (به نقل از سپهرنیا و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۱). در نهایت اینکه دانشگاه ها در عصر حاضر با تجهیز افراد به سواد فناورانه، مهارت های پیشرفته و دسترسی به شبکه های اطلاعات جهانی، به ایجاد «سرمایه فرهنگی جدید» کمک می کنند. همچنین از طریق برنامه های فوق برنامه و هنری، دانش و مهارت های دانشجویان را گسترش می دهند. کیفیت محتوای آموزشی و توانایی اساتید در انتقال مفاهیم نیز نقش کلیدی در ارتقای سرمایه

1 Embodied

2 Objectified

3 Institutionalized

4 Sullivan

5 Willekens & Lievens

فرهنگی ایفا می‌کنند که مستلزم بازنگری مستمر متون آموزشی و توانمندسازی مدرسان است (سپهرنیا و همکاران، ۱۳۹۴؛ حیدری گرجی و جباری، ۱۳۹۳). در مجموع بورديو بر این عقیده است که سرمایه فرهنگی در خانواده‌های مربوط به طبقه بالا آموخته می‌شود و دانش آموزان طبقات بالا را در مقایسه با دانش آموزان طبقات پایین‌تر، قادر می‌سازد تا مدارک تحصیلی بالاتری را کسب کنند (سالیوان، ۲۰۰۳: ۴).

بعد از بورديو بسیاری از پژوهشگران این مفهوم را در جوامع مختلف، مخصوصاً در حوزه مطالعات آموزشی مورد استفاده قرار داده‌اند و در نتیجه حجم عظیمی از تحقیقات تجربی و تاملات نظری راجع به آن پدید آمده است. برای مثال یال و همکاران (۱۹۹۸) از این مفهوم برای توضیح وضعیت برخی جوامع پسا کمونیستی نظیر چک و اسلواکی، مجارستان و لهستان استفاده کرده‌اند. پترسون و همکارانش (۱۹۹۲، ۱۹۹۶) نیز قدرت تحلیلی این مفهوم را در جهت ایضاح وضعیت جامعه آمریکا به کار برده و به نتایجی متفاوت درباره طبقه بالای فرهنگی در آنجا دست پیدا کرده‌اند. تا جایی که در نتیجه این مطالعات بریسون (۱۹۹۲) برای توضیح وضعیت آمریکا مفهوم «سرمایه چند فرهنگی» ابداع کرده است (وینگر و لیروا، ۱۳۹۳: ۵۱). بعدها تارا.جی. یوسو نیز مفهوم دیگری تحت عنوان «ثروت‌های فرهنگی» را ابداع می‌کند تا هم بعد نخبه گرایانه سرمایه فرهنگی را تقلیل دهد و هم بتواند وضعیت جوامع چندفرهنگی دارای اقلیت‌های نژادی و فرودستان همچون آمریکا را بهتر توضیح دهد (فائقی و باینگانی، ۱۳۹۹: ۵۸). در ایران نیز از اوایل دهه هشتاد هجری این مفهوم وارد تحقیقات جامعه‌شناختی و مدیریت شده و نقش تبیین‌کنندگی آن زمینه هویت، موفقیت تحصیلی، مدیریت بدن، رفتار مصرف‌کننده و... مورد بررسی قرار گرفته است (همان، ۶۱).

بررسی‌های تجربی و نظری نشان داد که در اغلب کارهای صورت‌گرفته در ایران و جهان، مفهوم سرمایه فرهنگی از منظر بورديویی بررسی شده و در عملیاتی‌کردن آن همواره از ابعاد سه‌گانه این مفهوم از نظر بورديو (تجسم‌یافته، عینیت‌یافته و نهادینه‌شده) استفاده شده است. لکن نکته مهم آن است که در غالب این پژوهش‌ها رویکرد انتقادی و نخبه‌گرایانه بورديو (لیزاردو، ۲۰۱۱: سونتارو^۱، ۲۰۱۱) در زمینه سنجش سرمایه فرهنگی توجه چندانی نشده است. در این پژوهش برای تکمیل رویکرد بورديو خصوصاً در مورد معرف‌های جدیدتر - همچون سواد رسانه‌ای و به‌ویژه موارد مرتبط با فضای مجازی - از پژوهش‌های پترسون و کرن^۲ (۱۹۹۶)، سالیوان (۲۰۰۳) و یوسو (۲۰۰۵) و همچنین مطالعات داخلی به‌ویژه مطالعه باینگانی (۱۳۸۸)، فائقی (۱۳۸۹) و فائقی و باینگانی (۱۳۹۵) استفاده شده است. از طرفی، در پژوهش پیش رو، جهت تکمیل رویکرد نخبه‌گرایانه بورديو به فرهنگ، با رویکرد مردم‌شناسانه نیز به فرهنگ - و در پی آن به سرمایه فرهنگی - نگرسته شده و بدین منظور، همسو با مقتضیات فرهنگی زمینه موضوع (نظام اجتماعی و فرهنگی ایران) و همچنین زمینه خرد (فضاها و علایق دانشگاه‌های علوم پزشکی و دانشجویان)، مفهوم سرمایه فرهنگی عملیاتی شده است. جدول (۱)

پیشینه تجربی

بررسی مطالعات داخلی و خارجی مربوط به وضعیت سرمایه فرهنگی در میان دانشجویان نشان می‌دهد که هم مطالعات مربوط به سرمایه فرهنگی فراوان است و هم اینکه در بسیاری از این مطالعات دانشجویان نمونه مورد مطالعه بوده‌اند. که در ادامه به مهمترین آن‌ها اشاره خواهد شد.

^۱ Santoro

^۲ Peterson & Kern

۱. مطالعات داخلی

بابایی فرد و حیدریان (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای پیمایشی به بررسی تأثیر اینترنت بر سرمایه فرهنگی دانشجویان دانشگاه‌های کاشان (از جمله دانشجویان علوم پزشکی) پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که سرمایه فرهنگی دانشجویان در حد متوسط رو به بالا است و بین استفاده از اینترنت (به‌ویژه سایت‌های علمی و هنری، خرید اینترنتی کالاهای فرهنگی و شبکه‌های اجتماعی) با سرمایه فرهنگی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این مطالعه از نظریه پیر بورديو به عنوان چارچوب نظری بهره برده است. پژوهش ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۶) با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی تأثیر سرمایه فرهنگی بر سبک زندگی دینی دانشجویان دانشگاه مازندران» نشان داد که سرمایه فرهنگی پاسخگویان در حد متوسط رو به پایین است، در حالی که سبک زندگی دینی آن‌ها متوسط رو به بالا ارزیابی شده است. یافته‌های تحلیلی این مطالعه حاکی از آن بود که دو بعد سرمایه فرهنگی (عینیت‌یافته و نهادینه‌شده) تأثیر مستقیم و معناداری بر سبک زندگی دینی دارند، اما بعد تجسم‌یافته تأثیر معناداری نداشت. در مجموع، سرمایه فرهنگی و ابعاد آن ۳۱ درصد از تغییرات سبک زندگی دینی را تبیین کردند.

حیدری گرجی و جباری (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی رابطه بین سرمایه فرهنگی و راهبردهای مطالعه و یادگیری در نمونه‌ای ۲۶۲ نفری از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گرگان پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده با مؤلفه‌های اشتیاق و خودنظم‌دهی رابطه مثبت دارد، درحالی‌که سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته با تمام مؤلفه‌های یادگیری (مهارت، اشتیاق، خودنظم‌دهی) ارتباط معنادار داشت. همچنین، سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته تنها با اشتیاق رابطه مستقیم نشان داد. در کل، دانشجویان با سرمایه فرهنگی بالاتر، از راهبردهای مطالعه و یادگیری مؤثرتری استفاده می‌کنند، که اهمیت توجه به بستر خانوادگی و اجتماعی را در بهبود عملکرد تحصیلی برجسته می‌سازد. بنی عقیل و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای توصیفی-تحلیلی و مقطعی با نمونه‌ای ۱۲۶ نفره از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان، ارتباط سرمایه فرهنگی با عملکرد علمی را بررسی کرده‌اند. یافته‌های این مطالعه نشان داد که سرمایه فرهنگی با عملکرد علمی رابطه مثبت و معناداری دارد، به‌طوری‌که با افزایش سرمایه فرهنگی، عملکرد علمی دانشجویان بهبود می‌یابد. همچنین، تحلیل مدل رگرسیون گام‌به‌گام تأیید در این مطالعه نشان داد که سرمایه فرهنگی تجسم یافته و نهادینه شده قابلیت پیش‌بینی عملکرد علمی را دارند. ایزدی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی توصیفی-تحلیلی با نمونه‌ای ۳۵۹ نفره نشان دادند که بین سرمایه فرهنگی تجسم یافته و عملکرد تحصیلی و نیز بین سرمایه فرهنگی تعاملی با انگیزه ورود و عملکرد تحصیلی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد. در عین حال بر اساس یافته‌های این مطالعه افزایش سرمایه فرهنگی تجسم یافته منجر به بهبود عملکرد تحصیلی می‌شود، درحالی‌که سرمایه فرهنگی نهادینه شده و عینیت یافته تأثیر معناداری بر این متغیرها نداشت. در نهایت اینکه که سطح تحصیلات والدین با تمام ابعاد سرمایه فرهنگی ارتباط معنادار دارد.

۲. مطالعات خارجی

در مطالعات خارج از ایران هم، گیوتاکو^۱ (۲۰۲۴) در مطالعه‌ای درباره رابطه بین تحصیلات والدین و ورود به دانشگاه‌های پزشکی در فاصله سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۴ در کشور یونان با استفاده از چارچوب نظری بورديو نشان داد که ۷۲٪ از پذیرفته‌شدگان پزشکی دارای والدینی با تحصیلات عالی بودند، که مؤید تأثیر قوی سرمایه فرهنگی در دستیابی به رشته‌های نخبه‌گرای پزشکی است. ونگ و لیاو^۲ (۲۰۲۲) در مطالعه‌ای با استفاده از چارچوب سه‌سطحی بورديو بر روی ۳۲ دانشجوی روستایی در چهار دانشگاه نخبه‌شانهای

¹ Giotakou

² Liao

به این نتیجه رسید که دانشجویان با سرمایه فرهنگی و هابیتوس روستایی در ابتدا با چالش‌های سازگاری آکادمیک و اجتماعی مواجه بودند، اما بسیاری توانستند با تغییر هابیتوس و کسب سرمایه فرهنگی جدید، خود را با محیط شهری تطبیق دهند. اگرچه برخی همچنان در کسب موقعیت‌های شغلی ممتاز در بازار کار رقابتی شانگهای تردید داشتند. این مطالعه ضمن تأیید نقش ساختارهای بازتولید اجتماعی، بر ظرفیت تحول‌آفرین آموزش عالی و امکان تغییر اجتماعی از طریق عاملیت فردی تأکید دارد، نکته‌ای که در بسیاری از تحلیل‌های بوردیویی نادیده گرفته شده است. علاوه بر این‌ها، بروسنان و همکاران^۱ (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای با استفاده از چارچوب نظری بوردیو، تجربیات دانشجویان پزشکی اولین نسل دانشگاهی در یک دانشکده پزشکی استرالیا را بررسی کردند. یافته‌ها نشان داد که کمبود سرمایه اجتماعی (نداشتن ارتباط با متخصصان سلامت)، دغدغه‌های مالی و چالش‌های تطابق با سرمایه فرهنگی جدید، موانع اصلی این دانشجویان هستند. پژوهش تأکید می‌کند که افزایش پذیرش دانشجویان متنوع کافی نیست، بلکه نظام آموزش پزشکی باید برای حفظ سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی موجود این دانشجویان چاره‌اندیشی کند و تغییرات را در سطح فرهنگ پزشکی گسترش دهد تا عدالت آموزشی محقق شود. در همین زمینه دارین^۲ (۲۰۱۲) در مطالعه‌ای با استفاده از داده‌های طولی (۲۰۰۸-۱۹۹۹) و روش تحلیل تطابق چندگانه خاص در رشته پزشکی فرانسه به بررسی نقش سرمایه فرهنگی در عملکرد تحصیلی دانشجویان پزشکی پرداخته است. یافته‌های این مطالعه نشان داد که در سال‌های ابتدایی، هر دو نوع سرمایه فرهنگی (انتسابی و اکتسابی) تأثیرگذارند، اما در سال‌های بالاتر صرفاً سرمایه فرهنگی اکتسابی نقش تعیین‌کننده دارد. بر اساس یافته‌های این مطالعه در برخی موارد، سرمایه فرهنگی اکتسابی می‌تواند کمبود سرمایه فرهنگی انتسابی را جبران کند. در نهایت مطالعه گاتمن و لینگارد^۳ (۲۰۱۰) با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای سازه‌گرا و مصاحبه با ۱۴ دستیار فوق تخصصی کودکان نشان داد که پزشکان جوان به دنبال کسب مدارج عالی دانشگاهی (کارشناسی ارشد و دکتری) هستند تا شانس خود را برای جذب در مراکز آکادمیک افزایش دهند. براساس یافته‌های این مطالعه در محیط آکادمیک پزشکی، مدارک تحصیلی تکمیلی، انتشارات پژوهشی و دریافت گرنت‌ها به عنوان اشکالی از سرمایه فرهنگی ارزشمند تلقی می‌شوند و دستیابی به جایگاه علمی مستلزم انباشت این سرمایه‌هاست. این در حالی است که صرف مهارت‌های بالینی برای کسب اعتبار در این محیط کافی تشخیص داده نمی‌شود. این مطالعه بر فرآیند درونی‌سازی ارزش‌های آکادمیک توسط دانشجویان پزشکی و تبدیل آن‌ها به انگیزه‌ای برای کسب مدارج عالی تأکید دارد.

در مجموع مطالعات فوق نشان دهنده اهمیت تئوریک و تجربی مفهوم سرمایه فرهنگی است. لکن با وجود مطالعات متعددی که به بررسی سرمایه فرهنگی دانشجویان پرداخته‌اند، اغلب این پژوهش‌ها محدود به نمونه‌های منطقه‌ای یا دانشگاه‌های خاص بوده‌اند. از این رو مطالعه حاضر با تمرکز بر دانشجویان علوم پزشکی سراسر کشور به عنوان قشری تأثیرگذار در نظام سلامت، اولین پژوهش در سطح ملی است که تصویر جامعی از وضعیت سرمایه فرهنگی این گروه ارائه می‌دهد. در عین حال این تحقیق با بررسی همزمان ابعاد سه‌گانه سرمایه فرهنگی و تحلیل تفاوت‌های جمعیت‌شناختی، هم به توسعه ادبیات نظری کمک می‌کند و هم مبنای علمی ارزشمندی برای سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و آموزشی در دانشگاه‌های علوم پزشکی فراهم می‌آورد. مطمئناً یافته‌های این مطالعه می‌تواند در طراحی برنامه‌های تقویت سرمایه فرهنگی و بهبود فعالیت‌های فوق برنامه مورد استفاده قرار گیرد.

¹ Brosnan et al.

² Darin

³ Guttman & Lingard

روش‌شناسی پژوهش

در پژوهش پیش رو از رویکرد کمی و روش پیمایش استفاده شده است. پژوهش از نظر هدف کاربردی؛ از نظر مقطع زمانی؛ و از نظر گستره پهنایگر بوده است.

جامعه آماری: با توجه به ماهیت و اهداف پژوهش در خصوص تهیه بسته سیاستی و راهنمای اقدام و عمل در سطوح مختلف ستادی و همچنین دانشگاه‌های علوم پزشکی، ضروری بود کل جامعه دانشجویی علوم پزشکی به‌عنوان جمعیت آماری پژوهش لحاظ شود. لذا، طبق هماهنگی با اداره آموزش و بخش آمار دانشجویان در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، آخرین فهرست دانشجویان تا سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ تهیه شد و تعداد کل آن‌ها ۲۰۶۳۸۰ نفر برآورد شد.

واحد نمونه‌گیری: هدف این پیمایش - تنها - برآوردی ملی از موضوعات موردبررسی در دانشگاه‌های علوم پزشکی سراسر کشور نبوده و نمونه‌گیری به‌گونه‌ای طراحی شده است که ارائه اطلاعات و تحلیل‌ها در چهار سطح دانشگاهی (به تفکیک هر دانشگاه)، استانی (مجموع دانشگاه‌های هر استان)، منطقه‌ای (مجموع دانشگاه‌های جای‌گرفته در هر منطقه)، و دانشگاه‌های علوم پزشکی سراسر کشور امکان‌پذیر باشد. بر این اساس و برای دستیابی به اهداف معاونت در خصوص کسب نتایج تعمیم‌پذیر و تفصیلی و معتبر به تفکیک هریک از دانشگاه‌ها، ضروری بود برای هر دانشگاه جداگانه نمونه‌گیری صورت گیرد؛ به عبارتی، واحد نمونه‌گیری در این پژوهش دانشگاه بوده است.

حجم نمونه: حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران محاسبه شد؛ اما با توجه به واریانس بالای موجود در جمعیت دانشگاه‌ها (از ۲۴۰ دانشجو در دانشگاه‌های دور از مرکز تا ۱۳ هزار دانشجو در تهران) و به‌منظور افزایش دقت یافته‌ها و تحلیل‌ها، ضروری بود، با تغییر در درصد خطای فرمول، برآوردهای بیشینه و کمینه‌ای از دانشگاه‌ها داشت که در نهایت ۲۱۰۰۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند.

شیوه نمونه‌گیری: شیوه نمونه‌گیری در پژوهش پیش رو چندمرحله‌ای بوده و بر اساس دو راهبرد سهمیه‌بندی متناسب با حجم و تصادفی نظام‌مند صورت گرفته است. نحوه انتخاب دانشجویان نیز به این ترتیب بوده است:

- تعیین حجم نمونه در هر دانشگاه: در بخش قبلی به حجم نمونه هر دانشگاه اشاره شد.

- تقسیم‌بندی جمعیت دانشگاه بر اساس متغیر جنسیت (زن و مرد) و محاسبه حجم نمونه اختصاص‌یافته به هر گروه بر اساس جمعیت؛

- تقسیم‌بندی جمعیت دانشگاه بر اساس متغیر سال ورود (اول تا ششم) و محاسبه حجم نمونه اختصاص‌یافته به هر گروه بر اساس جمعیت؛

- تهیه ۱۲ فهرست جداگانه بر اساس جنسیت (دو گروه) و سال ورود (۶ گروه) که پس از محاسبه حجم نمونه در هر فهرست و همچنین محاسبه عدد فاصله، نمونه‌های نهایی بر اساس روش تصادفی نظام‌مند انتخاب شده‌اند.

ابزار جمع‌آوری داده‌ها: ابزار گردآوری داده در این پژوهش پرسش‌نامه بوده که در ۱۲ صفحه، سه بخش و نزدیک به ۳۰۰ گویه یا پرسش به هر پاسخگو عرضه شده است. بعد از مشخص‌شدن اینکه حجم نمونه در هر دانشگاه چقدر است، پرسشگران کارآموده برای مصاحبه گروهی و منفرد به دانشجویان منتخب رجوع کردند. بر این اساس، در مرحله اول - که پیش از آن از طریق سیستم آموزش و همچنین تابلوی اعلانات به دانشجویان منتخب اطلاع‌رسانی شده بود - هماهنگی برای اجرای مصاحبه گروهی صورت گرفت و دانشجویان مایل به همکاری در محلی (کلاس درس) گرد هم آمدند و به پرسش‌نامه پاسخ دادند. در مرحله دوم، به‌صورت انفرادی از افراد حاضر نشده در جلسات قبلی دعوت به عمل آمد و در صورت تمایل پاسخگو، حتی پرسشگر به محل حضور

پاسخگو (بیمارستان یا کلاس) رفت و مصاحبه صورت گرفت. در مرحله سوم نیز، افرادی که به هیچ وجه مایل به همکاری نبوده‌اند، بر اساس فهرست افراد جایگزین که در اختیار مدیران دانشگاهی طرح قرار گرفته بود، جایگزین شدند و مطابق روال قبلی با آن‌ها مصاحبه شد.

جدول ۱. تعریف عملیاتی سرمایه فرهنگی و ابعاد آن

مفهوم	ابعاد	معرف‌های درجه اول
سرمایه فرهنگی	تجسم یافته	مهارت‌ها و توانایی‌های فرهنگی
		فعالیت‌های فرهنگی و هنری
		فعالیت در فضای مجازی
		دانش فرهنگی و تاریخی
	عینیت یافته	مالکیت کالاها و خدمات فرهنگی
		مصرف کالاهای فرهنگی
		فضای فرهنگی و علمی محیط اطراف
	نهادینه شده	تحصیلات اعضای خانواده
		تحصیلات دانشجو
		مدارک رسمی و معتبر فرهنگی
		آفرینش فرهنگی و هنری

روایی و پایایی ابزار اندازه‌گیری: برای برآورد اعتبار پرسش‌نامه از روش اعتبار محتوایی (صوری و متخصصان) استفاده شد. بدین منظور، سه دسته از متخصصان در تعیین اعتبار مد نظر قرار گرفتند. ابتدا پرسش‌نامه اولیه در اختیار کارشناسان و مدیران میانی همکار در سطح وزارتخانه قرار گرفت و پس از تصحیح و تکمیل در اختیار مدیران سطح بالا و همچنین مدیران سابق دستگاه‌های مرتبط (وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) قرار گرفت و در نهایت، پس از اصلاحات این دو بخش، از متخصصان و صاحب‌نظران دانشگاهی استفاده شد. در انتهای کار نیز، مجدداً پرسش‌نامه نهایی شده در اختیار تمام گروه‌های مذکور قرار گرفت و پس از انجام اصلاحات جزئی تکمیل و نهایی شد. برای برآورد پایایی پرسش‌نامه نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. بر این اساس، ابتدا پیش‌آزمون با نمونه حدود ۵۰ نفر در سه دانشگاه البرز، اصفهان و بوشهر اجرا شد و پس از برآورد پایایی در خصوص متغیر اصلی پژوهش و ابعاد و معرف‌های خرد آن، با تعدیل برخی پرسش‌ها و گویه‌ها پرسش‌نامه نهایی شد. در نهایت میزان آلفای کرونباخ برای بعد تجسم یافته ۰/۹۷، برای بعد عینیت یافته ۰/۷۸ و برای بعد نهادینه شده نیز ۰/۷۸، بدست آمد.

تحلیل داده‌ها: برای تحلیل داده‌ها از آماره‌های توصیفی و استنباطی استفاده شده است؛ در موارد توصیفی از جدول‌های یک‌بُعدی و دُبعدی، نمودار، شاخص‌های مرکزی و پراکندگی؛ و در موارد استنباطی از مقایسه میانگین، آزمون‌های خی دو، و وی کرامر برای ارتباط بین متغیرهای اسمی و ترتیبی و کندال تاو سی برای ارتباط متغیرهای ترتیبی.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

متغیرهای زمینه‌ای

یافته‌های بخش توصیفی پژوهش حاضر نشان داد که از بین پاسخگویان، ۱۱۸۴۷ نفر (۶۰ درصد) زن و ۷۹۰۱ نفر (۴۰ درصد) مرد بودند. میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۲۴ سال بود و بیشترین فراوانی سنی (۷/۴۶ درصد) در گروه سنی ۲۲ تا ۲۵ سال قرار داشت. از نظر وضعیت تأهل، اکثریت پاسخ‌دهندگان (۴/۸۱ درصد) مجرد و ۳/۱۸ درصد متأهل بودند. در مورد مذهب، ۳/۹۲ درصد از نمونه‌آماری شیعه، ۴/۷ درصد سنی و ۳/۰ درصد پیرو سایر مذاهب بودند. از نظر قومیت، ۸/۵۳ درصد از شرکت‌کنندگان فارس، ۱/۱۶ درصد ترک، ۹ درصد کرد، ۹/۵ درصد لر، ۳/۳ درصد مازنی و ۲/۳ درصد بختیاری بودند. استان‌های خراسان رضوی و فارس با مجموع ۸/۲۰ درصد، بیشترین سهم را در محل تولد دانشجویان داشتند. استان‌های تهران (۱/۸ درصد)، خوزستان (۴/۶ درصد)، اصفهان (۷/۵ درصد) و کرمان (۵/۵ درصد) در رتبه‌های بعدی قرار داشتند. استان‌های خراسان شمالی، البرز، زنجان، سمنان و هرمزگان هر کدام حدود ۱ درصد از نمونه را تشکیل می‌دادند. از نظر سال ورود، ۹/۵۱ درصد از دانشجویان ورودی‌های ۹۶ و ۹۷ (سال‌های اول و دوم) بودند، دانشجویان سال سوم (۴/۲۲ درصد) و سال چهارم (۷/۱۵ درصد) در رتبه‌های بعدی قرار داشتند و مجموع دانشجویان سال پنجم و ششم ۱۰ درصد از نمونه را تشکیل می‌دادند. در مورد مقطع تحصیلی، ۵/۵۴ درصد در مقطع کارشناسی، ۷/۳۰ درصد در پزشکی عمومی، ۶/۶ درصد در کارشناسی ارشد، ۹/۲ درصد در دکتری تخصصی، ۸/۲ درصد در کاردانی و ۵/۲ درصد در مقطع دکتری عمومی مشغول به تحصیل بودند. پرستاری با ۹/۳۲ درصد و پزشکی با ۶/۲۶ درصد به ترتیب پرتعدادترین رشته‌های تحصیلی بودند. رشته‌های بهداشت (۷/۱۵ درصد)، پیراپزشکی (۸/۱۱ درصد)، سلامت دهان (۳/۶ درصد)، داروسازی (۹/۳ درصد) و فناوری‌های نوین سلامت (۷/۲ درصد) در رتبه‌های بعدی قرار داشتند. در نهایت، ۷۰ درصد از دانشجویان غیربومی و ۱/۳۰ درصد بومی بودند. از این میان، ۲/۴۹ درصد در خوابگاه دولتی، ۹/۱۳ درصد در منزل شخصی، ۹/۵ درصد در پانسیون‌های خودگردان و ۱/۳۰ درصد در منزل والدین سکونت داشتند.

متغیرهای وابسته

سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته: جایگاه میانی بین ابعاد سه‌گانه

سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته دارای معرف‌های درجه اولی همچون «مهارت‌ها و توانایی‌های فرهنگی»، «فعالیت‌های فرهنگی و هنری»، «فعالیت در فضای مجازی» و «دانش تاریخی و فرهنگی» بوده است. برحسب نتایج، این بُعد از سرمایه فرهنگی دانشجویان در سطح کمتر از متوسط بوده و با میانگین ۲/۳۳ - در تراز صفر تا پنج - در جایگاه میانی بین ابعاد سه‌گانه سرمایه فرهنگی قرار گرفته است. بیشتر فراوانی (۵۶ درصد) در سطوح پایینی جدول («کم» و «خیلی کم») جای گرفته و سطوح بالایی («زیاد» و «خیلی زیاد») تنها ۲۱/۱ درصد از فراوانی را در خود جای داده‌اند. ۲۲/۸ درصد نیز در میانه جدول قرار گرفته‌اند.

بین معرف‌های اصلی این بُعد، بیشترین میانگین به «دانش تاریخی و فرهنگی» اختصاص داشته است. «فعالیت در فضای مجازی» در رتبه دوم قرار داشته و «فعالیت‌های فرهنگی و هنری» نیز در رتبه سوم. آخرین رتبه و ضعیف‌ترین بخش از سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته نیز به «مهارت‌ها و توانایی‌های فرهنگی» پاسخگویان مرتبط بوده است. موارد مذکور - به تفکیک معرف‌های درجه اول و دوم، به همراه میانگین - در جدول ۲ ارائه و مرتب شده است.

جدول ۲. میانگین معرف‌های بُعد تجسم‌یافته (برحسب رتبه)

رتبه	معرف درجه اول (برحسب میانگین)	معرف درجه دوم	میانگین معرف درجه دوم
اول	دانش تاریخی و فرهنگی ($M=3.45$) ^۱	دانش فرد در خصوص شخصیت‌های مهم فرهنگی و تاریخی	۴
		دانش فرد در خصوص اماکن مهم فرهنگی و تاریخی	۲,۷۸
		دانش فرد در خصوص وقایع مهم فرهنگی و تاریخی	۲,۶۱
دوم	فعالیت در فضای مجازی ($M=2.06$)	میزان فعالیت (حضور) در شبکه‌های مجازی	۱,۶۶
		نوع فعالیت در شبکه‌های مجازی	۲,۴۶
سوم	فعالیت‌های فرهنگی و هنری ($M=1.65$)	نوع و میزان فعالیت‌های فراغتی	۲,۱۸
		میزان مطالعه (به‌مثابه فعالیت فراغتی و فعالیت دانشگاهی)	۱,۷۶
		مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی و هنری (غیر رسمی)	۱,۶۳
		شرکت در کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی فرهنگی و هنری (رسمی)	۱,۰۶
چهارم	مهارت‌ها و توانایی‌های فرهنگی ($M=1.54$)	میزان توانمندی در انواع هنرها و مهارت‌های فرهنگی	۱,۵۴

سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته: قوی‌ترین بُعد سرمایه فرهنگی دانشجویان

سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته دارای معرف‌های درجه اولی همچون «مالکیت کالاها و خدمات فرهنگی»، «مصرف کالاهای فرهنگی» و «فضای فرهنگی و علمی محیط اطراف» بوده است. برحسب نتایج به‌دست‌آمده، این بُعد قوی‌ترین بُعد از سرمایه فرهنگی دانشجویان بوده و با میانگین ۳/۱۳ - در تراز صفر تا پنج - در جایگاه برتر بین ابعاد سه‌گانه سرمایه فرهنگی قرار گرفته است. بیشترین فراوانی (۴۵/۲ درصد) در سطوح بالایی («زیاد» و «خیلی زیاد») جای گرفته و سطوح پایینی جدول («کم» و «خیلی کم») ۳۷/۸ درصد از فراوانی را در خود جای داده‌اند. ۱۷ درصد نیز در میانه جدول قرار گرفته‌اند.

بین معرف‌های اصلی این بُعد، بیشترین میانگین به معرف «فضای فرهنگی و علمی محیط اطراف» اختصاص داشته است؛ «مالکیت کالاها و خدمات فرهنگی» در رتبه دوم بود و کمترین میانگین نیز به رتبه سوم و «مصرف کالاهای فرهنگی» در میان دانشجویان اختصاص داشته است. موارد مذکور - به تفکیک معرف‌های درجه اول و دوم، به‌همراه میانگین - در جدول ۳ ارائه و مرتب شده است.

^۱. میانگین این معرف از ترکیب سه معرف درجه دوم آن در نرم‌افزار SPSS محاسبه شد و اندک تفاوت میان این رقم با میانگین دستی سه بُعد ناشی از همین امر است.

جدول ۳. میانگین معرف‌های بُعد عینیت یافته (برحسب رتبه)

رتبه	معرف درجه اول (برحسب میانگین)	معرف درجه دوم	میانگین معرف درجه دوم
اول	فضای فرهنگی و علمی محیط اطراف ^۱ (M=4.07)	بحث در مورد مسایل علمی و فرهنگی با خانواده و نزدیکان	۳,۲۶
		پشتیبانی تحصیلی والدین (حضور والدین در مدرسه)	۳,۷
		ارزش‌های علمی و فرهنگی در خانواده	۴,۲۸
دوم	مالکیت کالاها و خدمات فرهنگی (M=2.38)	مالکیت کالاها و فرهنگی واقعی	۲,۹۱
		میزان مالکیت و راهبری در فضای مجازی	۱,۸۶
سوم	مصرف کالاها و فرهنگی (M=1.57)	تخصیص هزینه به کالاها و فرهنگی (کتاب‌های غیردرسی، مجله و روزنامه، اینترنت)	۱,۵۷

سرمایه فرهنگی نهاده شده: ضعیف‌ترین بُعد سرمایه فرهنگی دانشجویان

سرمایه فرهنگی نهاده شده دارای معرف‌های درجه اولی همچون «مدارک رسمی و معتبر فرهنگی و هنری»، «آفرینش فرهنگی و هنری»، «تحصیلات دانشجوی» و «تحصیلات اعضای خانواده» بوده است. برحسب نتایج، این بُعد ضعیف‌ترین بُعد سرمایه فرهنگی دانشجویان بوده و با میانگین ۲/۱۱ - در تراز صفر تا پنج - در جایگاه سوم بین ابعاد سه‌گانه سرمایه فرهنگی قرار گرفته است. بیشترین فراوانی (۶۷/۱ درصد) در سطوح پایینی جدول («کم» و «خیلی کم») جای گرفته و سطوح بالایی («زیاد» و «خیلی زیاد») تنها ۱۷/۴ درصد از فراوانی را در خود جای داده‌اند. ۱۵/۵ درصد نیز در میانه جدول قرار گرفته‌اند.

بین معرف‌های اصلی این بُعد بیشترین میانگین به «تحصیلات دانشجوی» اختصاص داشته و در رتبه نخست این بُعد جای داشته است؛ به عبارت دیگر، کیفیت تحصیلات و همچنین پنداشت دانشجویان از این کیفیت در سطح بالایی بوده است. «تحصیلات اعضای خانواده» - به ویژه از منظر ذهنی و پنداشت دانشجویان - نیز در سطح نسبتاً بالایی بوده و در رتبه دوم قرار گرفته است. معرف‌های «مدارک رسمی و معتبر فرهنگی و هنری» و «آفرینش فرهنگی و هنری» نیز با میانگین کمتر از ۱ در سطح بسیار پایین بوده‌اند و در رتبه‌های سوم و چهارم این بُعد قرار گرفته‌اند.

جدول ۴. میانگین معرف‌های بُعد نهاده شده (برحسب رتبه)

رتبه	معرف درجه اول	معرف درجه دوم	میانگین معرف درجه دوم
اول	تحصیلات دانشجوی (M=4.14)	کیفیت تحصیلات دانشجوی تا زمان ورود به دانشگاه (معدل دیپلم)	۴,۱۵
		پنداشت دانشجوی از وضعیت تحصیلی کلی خود (قبل از ورود به دانشگاه)	۴,۱۴
دوم	تحصیلات اعضای خانواده (M=2.9)	پنداشت دانشجوی از وضعیت تحصیلات کلی اعضای خانواده	۳,۵
		میزان تحصیلات اعضای خانواده	۲,۳
سوم	مدارک رسمی و معتبر فرهنگی و هنری (M=0.83)	عضویت در تشکلهای فرهنگی	۱,۳۳
		داشتن گواهی یا مدارک معتبر در حوزه‌های مختلف فرهنگی	۰,۹
		داشتن لوح تقدیر در حوزه‌های فرهنگی	۰,۴۷
چهارم	آفرینش فرهنگی و هنری (M=0.62)	خلق یا تولید آثار و خدمات فرهنگی و هنری	۰,۶۲

^۱. میانگین این معرف نیز از ترکیب سه معرف درجه دوم آن در نرم‌افزار SPSS محاسبه شد و اندک تفاوت میان این رقم با میانگین دستی سه بُعد ناشی از همین امر است.

سرمایه فرهنگی کلی دانشجویان: کمتر از حد «متوسط»

همانطور که قبلاً گفته شد، سرمایه فرهنگی دانشجویان دارای سه بُعد «تجسم‌یافته»، «عینیت‌یافته» و «نهادینه‌شده» بوده که هریک به‌واسطه معرف‌های درجه‌اول و دوم مورد سنجش قرار گرفته و، با ترکیب این سه بُعد اصلی، میزان سرمایه فرهنگی کلی دانشجویان به دست آمده است. میانگین هریک از ابعاد سه‌گانه - برحسب رتبه - و همچنین میانگین کل در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵. میانگین ابعاد سه‌گانه سرمایه فرهنگی (برحسب رتبه)

رتبه	ابعاد سرمایه فرهنگی	میانگین (در تراز صفر تا پنج)	میانگین کل (در تراز صفر تا پنج)
اول	عینیت‌یافته	۳,۱۳	۲,۵۷
دوم	تجسم‌یافته	۲,۳۳	
سوم	نهادینه‌شده	۲,۱۱	

همانطور که جدول فوق نشان می‌دهد، برحسب میانگین کل، سرمایه فرهنگی دانشجویان نه‌چندان «زیاد» و نه‌چندان «کم» بوده و با میانگین ۲/۵۷ - در تراز صفر تا پنج - در جایگاه تقریباً میانی و، به عبارت دقیق‌تر، «متوسط رو به پایین» قرار گرفته است.

یافته‌های تحلیلی

رابطه بین سرمایه فرهنگی عینیت یافته و متغیرهای زمینه‌ای

جدول ۶. رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای و سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته

Cramer's V ↓ Kendall's tau-c	p	χ^2	SD	M	n	سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته					متغیر وابسته ← متغیرهای زمینه‌ای ↓
						تجسم‌یافته	عینیت‌یافته	نهادینه‌شده	رتبه	رتبه	
-	-	-	۱,۲۷	۳,۱۳	۲۰۱۳۸	۱۶,۶	۲۸,۶	۱۷	۲۶,۹	۱۰,۹	کل کشور
0.075	.000	111.91	۱,۲۶	۳,۲۱	۱۱۸۴۷	۱۷,۶	۳۰,۳	۱۷,۱	۲۵,۵	۹,۵	جنسیت
			۱,۲۹	۳,۰۲	۷۹۰۱	۱۵	۲۶,۶	۱۶,۹	۲۸,۵	۱۳	مرد
۰,۰۲۱	0.007	38.96	1.27	3.10	4912	۱۵,۷	۲۹	۱۶,۸	۲۷,۶	۱۱	سال ورودی
			1.28	3.11	4884	۱۶,۱	۲۸,۶	۱۷	۲۷	۱۱,۴	سال دوم
			1.27	3.12	4246	۱۶,۳	۲۸,۸	۱۶,۷	۲۷,۵	۱۰,۸	سال سوم
			1.27	3.16	2994	۱۷,۷	۲۷,۵	۱۸,۳	۲۶,۶	۱۰	سال چهارم
			1.25	3.21	1147	۱۷	۳۱,۳	۱۷,۳	۲۵,۱	۹,۲	سال پنجم
			1.23	3.29	766	۱۸,۷	۳۰,۹	۱۹,۸	۲۲,۲	۸,۴	سال ششم
0.1	.000	292.96	۱,۲۹	۲,۷۹	۵۲۶	۱۰,۸	۲۴,۷	۱۶,۵	۲۹,۱	۱۸,۸	کاردانی
			۱,۲۷	۳,۰۳	۱۰۳۵۱	۱۴,۵	۲۷,۴	۱۷	۲۸,۸	۱۲,۲	کارشناسی
			۱,۲۷	۳,۱۵	۱۲۶۷	۱۷,۳	۲۷,۵	۱۸,۴	۲۶,۶	۱۰,۲	کارشناسی ارشد
			۱,۲۵	۳,۳۰	۵۸۳۲	۱۹,۵	۳۱,۱	۱۷,۲	۲۴,۱	۸	پزشکی عمومی
			۱,۱۵	۳,۵۳	۴۶۴	۲۱,۸	۳۷,۵	۱۷	۱۹,۶	۴,۱	دکتر (Ph.D)
			۱,۲۷	۳,۴۰	۵۴۳	۲۴,۱	۲۹,۷	۱۶	۲۲,۷	۷,۶	دکترای تخصصی

بر اساس جدول فوق، مقایسه گروه های مختلف دانشجویی در زمینه سرمایه فرهنگی عینیت یافته نشان دهنده تفاوت معنادار بین آنهاست، به طوری که:

- دانشجویان دختر ($M=3/21$, $SD=1/26$) از سرمایه فرهنگی عینیت یافته بالاتری نسبت به دانشجویان پسر ($M=3/02$, $SD=1/29$) برخوردارند.
 - سرمایه فرهنگی عینیت یافته دانشجویان سال های بالاتر، به ویژه سال ششم ($M=3/29$, $SD=1/23$)، بیشتر از سال های پایین تر، به ویژه سال اول ($M=3/10$, $SD=1/27$)، بوده است. به عبارت دیگر، هرچه میزان حضور در دانشگاه بیشتر بوده، میزان سرمایه فرهنگی عینیت یافته دانشجویان بیشتر شده است.
 - سرمایه فرهنگی عینیت یافته دانشجویان مقاطع تحصیلی بالاتر، به ویژه دوره دکتری ($M=3/53$, $SD=1/15$)، بیشتر از سال های پایین تر، به ویژه کاردانی ($M=2/79$, $SD=1/29$)، بوده است. در اینجا نیز، همانند متغیر سال ورودی، با افزایش مقطع تحصیلی بر میزان سرمایه فرهنگی عینیت یافته دانشجویان افزوده می شود؛ هرچند این روند در مقطع دکتری تخصصی با اندکی افت مواجه می شود.
- یافته های مشاهده شده در رابطه با این فرضیه را می توان در چارچوب مفاهیم «عادت واره»، «میدان دانشگاهی» و «انباشت سرمایه» تبیین کرد. یافته ها حاکی از آن است که دانشجویان دختر به دلیل جامعه پذیری جنسیتی متفاوت و کارکرد تمایز بخشی سرمایه فرهنگی، از سطح بالاتری نسبت به پسران برخوردارند. افزایش سرمایه فرهنگی در سال های بالاتر تحصیل و مقاطع عالی تر، بازتاب نقش دانشگاه به عنوان میدانی برای انباشت سرمایه فرهنگی از طریق تعامل با منابع آموزشی و شبکه های علمی است، هرچند در مقطع دکتری تخصصی، تخصصی شدن بیش از حد ممکن است این روند را تعدیل کند. همچنین، عوامل بیرونی مانند توان اقتصادی و گسترش شبکه های اجتماعی، که بورديو آنها را در ارتباط دیالکتیکی با سرمایه فرهنگی می داند، در این فرآیند تأثیر گذارند. این نتایج به خوبی نشان می دهد که سرمایه فرهنگی دانشجویان محصول تعامل پیچیده میان موقعیت های نهادی، زمینه های اجتماعی و کنش های فردی است.

رابطه بین سرمایه فرهنگی تجسم یافته و متغیرهای زمینه ای

جدول ۷. رابطه بین متغیرهای زمینه ای و سرمایه فرهنگی تجسم یافته

Cramer's V یا Kendall's tau-c	p	χ^2	SD	M	n	سرمایه فرهنگی تجسم یافته					متغیر وابسته ← متغیرهای زمینه ای ↓
						تجسم یافته	تجسم یافته	تجسم یافته	تجسم یافته	تجسم یافته	
-	-	-	۱,۳۱	۲,۳۳	۲۰۱۳۸	۷,۲	۱۳,۹	۲۲,۸	۱۷	۳۹	کل کشور
۰,۰۵۶	۰,۰۰۰	۶۲,۳۱	۱,۲۸	۲,۲۷	۱۱۸۴۷	۶,۴	۱۲,۹	۲۲,۶	۱۷,۲	۴۰,۸	جنسیت
			۱,۳۳	۲,۴۲	۷۹۰۱	۸,۱	۱۵,۴	۲۳,۱	۱۶,۶	۳۶,۷	مرد
۴۰,۰۱	۰,۰۰۰	۴۳,۳۷	۱,۲۹	۲,۲۶	۴۹۱۲	۶,۴	۱۲,۸	۲۲,۸	۱۶,۴	۴۱,۶	سال ورودی
			۱,۳۰	۲,۳۸	۴۸۸۴	۷,۳	۱۴,۷	۲۳,۷	۱۷,۳	۳۷,۱	سال دوم
			۱,۳۲	۲,۳۷	۴۲۴۶	۷,۸	۱۴,۷	۲۲,۱	۱۷,۵	۳۷,۸	سال سوم
			۱,۳۲	۲,۳۶	۲۹۹۴	۸	۱۴,۱	۲۲,۹	۱۶,۴	۳۸,۵	سال چهارم
			۱,۳۰	۲,۳۰	۱۱۴۷	۶,۹	۱۳,۷	۲۱,۵	۱۸,۳	۳۹,۶	سال پنجم
			۱,۳۳	۲,۲۹	۷۶۶	۸	۱۲,۹	۲۱,۹	۱۵,۱	۴۲	سال ششم

Cramer's V یا Kendall's tau-c	p	χ^2	SD	M	n	سرمایه فرهنگی تجسم یافته					متغیر وابسته ← متغیرهای زمینه‌ای ↓	
						تجسم یافته	تجسم یافته	تجسم یافته	تجسم یافته	تجسم یافته		
۰,۰۲۴	۰,۰۰۰	۷۲,۶۱	۱,۳۵	۲,۵۳	۵۲۶	۹,۱	۱۸,۴	۲۱,۷	۱۸,۴	۳۲,۳	کاردانی	سطح تحصیلات
			۱,۳۲	۲,۳۶	۱۰۳۵۱	۷,۷	۱۴,۲	۲۲,۹	۱۷,۱	۳۸,۱	کارشناسی	
			۱,۳۲	۲,۳۴	۱۲۶۷	۶,۲	۱۳,۵	۲۱,۴	۱۶,۲	۴۲,۷	کارشناسی ارشد	
			۱,۳۰	۲,۳۳	۵۸۳۲	۶,۶	۱۴,۴	۲۳,۳	۱۶,۸	۳۸,۸	پزشکی عمومی	
			۱,۲۹	۲,۲۳	۴۶۴	۷,۳	۱۰,۳	۲۲,۶	۱۷,۷	۴۲	دکترای (Ph.D)	
			۱,۳۱	۲,۱۰	۵۴۳	۷,۹	۷,۹	۲۰,۱	۱۵,۱	۴۹	دکترای تخصصی	

با توجه به جدول فوق، مقایسه یافته‌ها در میان گروه‌های مختلف بر حسب جنسیت، سال ورودی و مقطع تحصیلی بر تفاوت و گاه تشابه برخی گروه‌ها دلالت دارد، به‌طوری‌که:

- دانشجویان پسر ($M=۲/۴۲$ ، $SD=۱/۳۳$) از سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته بیشتری نسبت به دانشجویان دختر ($M=۲/۲۷$ ، $SD=۱/۲۸$) برخوردارند.
- سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته دانشجویان سال‌های میانی، برای مثال سال سوم ($M=۲/۳۷$ ، $SD=۱/۳۲$)، بیشتر از سال‌های ابتدایی، به‌ویژه سال اول ($M=۲/۲۶$ ، $SD=۱/۲۹$)، و سال‌های پایانی حضور در دانشگاه، به‌ویژه سال ششم ($M=۲/۲۹$ ، $SD=۱/۳۳$)، بوده است. به عبارت دیگر، در سال‌های آغازین حضور در دانشگاه (دوم و سوم) تا حدی بر سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته دانشجویان افزوده می‌شود، اما با تداوم حضور در دانشگاه - و پس از سال چهارم - این روند معکوس می‌شود و حالت نزولی پیدا می‌کند.
- دانشجویان شاغل در مقاطع تحصیلی بالاتر، به‌ویژه دکتری تخصصی ($M=۲/۱۰$ ، $SD=۱/۳۱$) و پزشکی عمومی ($M=۳/۲۳$ ، $SD=۱/۲۹$)، سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته کمتری نسبت به دانشجویان شاغل در مقاطع تحصیلی پایین‌تر، به‌ویژه کاردانی ($M=۲/۵۳$ ، $SD=۱/۳۵$) و کارشناسی ($M=۳/۳۶$ ، $SD=۱/۳۲$)، دارند.

بر اساس نظریه سرمایه فرهنگی بوردیو، یافته‌های فرضیه دوم الگوی پیچیده‌ای از توزیع سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته را نشان می‌دهد. برخلاف انتظارات رایج، دانشجویان پسر نسبت به دختران از سطح بالاتری برخوردارند که احتمالاً بازتاب تفاوت در الگوهای جامعه‌پذیری جنسیتی و دسترسی به منابع فرهنگی است. روند تغییرات سرمایه فرهنگی به صورت منحنی وارونه است - با افزایش تا سال سوم و سپس کاهش تدریجی تا سال ششم - که نشان‌دهنده تأثیر دوگانه محیط دانشگاهی است: از یک سو بستر ساز انباشت سرمایه فرهنگی و از سوی دیگر محدودکننده آن با افزایش فشارهای تخصصی. همچنین، کاهش سرمایه فرهنگی در مقاطع تحصیلی بالاتر مانند دکتری تخصصی در مقایسه با کارشناسی، مؤید نظریه بوردیو درباره تأثیر منفی تخصصی‌شدن افراطی بر تنوع فرهنگی است. این یافته‌ها به خوبی نشان می‌دهند که سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته، همانند سرمایه فرهنگی عینیت یافته محصول تعامل پویای بین ساختارهای نهادی، الزامات رشته‌ای و کنش‌های فردی است، نه صرفاً نتیجه حضور در محیط آکادمیک.

رابطه بین سرمایه فرهنگی نهاده شده و متغیرهای زمینه ای

جدول ۸. رابطه بین متغیرهای زمینه ای و سرمایه فرهنگی نهاده شده

متغیر وابسته ← متغیرهای زمینه‌ای ↓	سرمایه فرهنگی نهاده شده					n	M	SD	χ^2	p	Cramer's V یا Kendall's tau-c
	میانگین	انحراف معیار	تعداد	نسبت	نسبت به کل						
کل کشور											
جنسیت	زن	45.6	50.7	16.2	10.1	7.4	2.13	1.29	29.39	0.000	0.039
	مرد	48.6	19.3	14.6	9.3	8.3	2.09	1.31			
سال ورودی	سال اول	51.1	19.9	14.3	8.4	6.3	1.99	1.24	309.54	0.000	0.083
	سال دوم	49.7	19.5	14.7	9.2	6.8	2.03	1.27			
	سال سوم	46.6	21.2	15.1	9.7	7.5	2.10	1.29			
	سال چهارم	44.8	20.8	15.9	10	8.5	2.16	1.32			
	سال پنجم	34.2	18.8	20.3	12.6	14.1	2.53	1.42			
	سال ششم	30.8	20.5	19.8	15.3	13.6	2.60	1.40			
مقطع تحصیلی	کاردانی	70.3	14.8	8.2	2.7	4	1.55	1.02	1779.66	0.000	0.247
	کارشناسی	56.2	19.7	13	6.8	4.4	1.83	1.15			
	کارشناسی ارشد	53.1	22.3	13.7	7.4	3.4	1.85	1.11			
	پزشکی عمومی	29.1	21.1	20.6	14.9	14.3	2.64	1.40			
	دکترای (Ph.D)	35.3	21.1	15.5	16.8	11.2	2.47	1.40			
	دکترای تخصصی	30.4	18.4	18.6	16.9	15.7	2.69	1.45			

همانطور که جدول فوق نشان می دهد، مقایسه گروه های مختلف دانشجویی در زمینه سرمایه فرهنگی نهاده شده نشان دهنده تفاوت معنادار بین آنهاست، به طوری که:

- دانشجویان دختر ($M=2/13$ ، $SD=1/29$) از سرمایه فرهنگی نهاده شده بیشتری نسبت به دانشجویان پسر ($M=2/09$ ، $SD=1/31$) برخوردارند.
- سرمایه فرهنگی نهاده شده در دانشجویان سال های بالاتر، به ویژه سال ششم ($M=2/60$ ، $SD=1/40$)، بیشتر از سال های پایین تر، به ویژه سال اول ($M=1/99$ ، $SD=1/24$)، بوده است. به عبارت دیگر، هرچه میزان حضور در دانشگاه بیشتر بوده، میزان سرمایه فرهنگی نهاده شده دانشجویان بیشتر شده است (البته با شیب ملایم).
- سرمایه فرهنگی نهاده شده در دانشجویان مقاطع تحصیلی بالاتر، به ویژه دوره دکتری تخصصی ($M=2/69$ ، $SD=1/45$)، بیشتر از سال های پایین تر، به ویژه کاردانی ($M=1/55$ ، $SD=1/02$)، بوده است. در اینجا نیز، همانند متغیر سال ورود، با افزایش مقطع تحصیلی بر میزان سرمایه فرهنگی نهاده شده دانشجویان افزوده می شود و به رغم کندبودن این روند افزایشی باید گفت، به طور کلی، دانشجویان مقاطع بالاتر (پزشکی عمومی، دکتری و دکتری تخصصی) سرمایه فرهنگی نهاده شده نسبتاً بیشتری دارند.

یافته‌های این فرضیه نشان می‌دهد که سرمایه فرهنگی نهاده شده به صورت نامتوازن در میان دانشجویان توزیع شده است. بر اساس این نتایج، دانشجویان دختر نسبت به پسران از سطح بالاتری از این نوع سرمایه برخوردارند که احتمالاً ناشی از فرایندهای جامعه‌پذیری جنسیتی متفاوت است که بر مبنای آن دختران معمولاً انگیزه بیشتری برای کسب مدارج تحصیلی و پذیرش هنجارهای آکادمیک دارند. همچنین، با افزایش سال‌های حضور در دانشگاه و ارتقای مقطع تحصیلی، میزان سرمایه فرهنگی نهاده شده دانشجویان به تدریج افزایش می‌یابد، هرچند این روند با شیب ملایمی همراه است. این الگو مؤید دیدگاه بورديو درباره نقش نهادهای آموزشی در درونی‌سازی تدریجی ارزش‌ها و هنجارهای آکادمیک است. در عین حال، این یافته‌ها نشان می‌دهد که دانشگاه به عنوان یک نهاد اجتماعی، نه تنها دانش تخصصی، بلکه اشکال خاصی از سرمایه فرهنگی را نیز انتقال می‌دهد که با گذشت زمان و تداوم حضور در محیط آکادمیک، در وجود دانشجویان نهاده می‌شود. این نتایج با مفهوم بازتولید فرهنگی بورديو که بر نقش نظام آموزشی در تثبیت و انتقال نابرابری‌های اجتماعی تأکید دارد، همخوانی کامل دارد.

بحث

هدف از انجام پژوهش حاضر سنجش وضعیت سرمایه فرهنگی و ابعاد آن در میان دانشجویان علوم پزشکی کل کشور و بررسی نقش عوامل زمینه‌ای جنسیت، سال ورودی و مقطع تحصیلی در شکل دهی به آن بود. اهمیت این مسئله در بستر چرخش فرهنگی و به تبع آن اهمیت یافتن نقش فرهنگ و متغیرهای فرهنگی در سرنوشت و توسعه جوامع و در عین حال نقش دانشگاه و کنشگران اصلی این نهاد، یعنی دانشجویان در تغییرات و تحولات فرهنگی و اجتماعی مطرح می‌شود. بر این اساس در پیشینه پژوهش مهمترین مطالعاتی که در داخل و خارج راجع به سنجش سرمایه فرهنگی در میان دانشجویان انجام شده بود مورد بررسی قرار گرفت و یکی از نتایج مهم این بررسی نشان داد که مطالعه‌ای با این مضمون در داخل و خارج انجام نشده است. در بخش نظری هم بعد از مرور مبانی نظری مشخص گردید این مفهوم برای نخستین بار توسط بورديو و همکارانش و در حوزه مطالعات مربوط به آموزش و پرورش مورد استفاده قرار گرفته است و با توجه به نوع مطالعات بورديو خود وی نیز به بهترین شیوه این مفهوم را عملیاتی و ابعاد آن را مشخص کرده است. البته با توجه به انتقاداتی که بعدها در سایر جوامع از این مفهوم به عمل آمده سعی شد در چارچوب مفهومی ارائه شده در اینجا تغییرات و تحولات مربوط به زمان کنونی و نیز سایر مطالعات داخلی و خارجی دربارهٔ این مفهوم مدنظر قرار بگیرد. در بخش روش پژوهش نیز دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور به عنوان جامعه آماری معرفی شد که از میان آن‌ها ۲۱۰۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. در پایان یافته‌های پژوهش نشان داد که در سطح توصیفی بیشتر نمونه از میان زنان، در فاصله سنی بین ۲۲ تا ۲۵، مجرد، اهل تشیع، فارس، شاغل به تحصیل در رشته پرستاری، ساکن خوابگاه‌های دولتی و محل زندگی آن‌ها استان‌های خراسان رضوی و فارس است. یافته‌های بخش تحلیلی نیز نشان داد که سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته تنها بعد از سرمایه فرهنگی است که «مرد»ها میانگین بیشتری نسبت به «زن»ها داشته‌اند. برحسب «سال ورود» نیز تفاوت محسوس و معناداری بین سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته دانشجویان وجود داشت و نکته تأمل‌برانگیز اینکه حضور در دانشگاه در سال‌های آغازین تأثیر مثبتی بر میزان سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته دارد و در سال‌های بعدی تأثیر منفی. به عبارت دقیق‌تر، در سال‌های ابتدایی تحصیل (تا سال‌های دوم و سوم و حتی چهارم) بر میزان سرمایه تجسم‌یافته دانشجویان افزوده شده و با ادامه حضور (سال‌های پنجم و ششم) میزان سرمایه با افت نسبی مواجه شده است. در خصوص تأثیر متغیر «مقطع تحصیلی» بر میزان سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته دانشجویان نیز نتایج تأمل‌برانگیز بوده و به طور معناداری، هرچه بر سطح تحصیلات دانشجویان افزوده شده، از مهارت‌ها و توانایی‌های فرهنگی و هنری آن‌ها و، به تعبیر دقیق‌تر، از میزان سرمایه فرهنگی آن‌ها، که اصلی‌ترین بُعد

سرمایه فرهنگی نیز هست، کاسته شده است. مطمئناً تبیین چنین نتایجی نیازمند مطالعات بیشتر، مخصوصاً به روش کیفی است. در بعد سرمایه فرهنگی عینیت یافته، «زن» ها میانگین بیشتری نسبت به «مرد» ها داشته اند. برحسب «سال ورود» نیز تفاوت محسوس و معناداری بین سرمایه فرهنگی عینیت یافته دانشجویان وجود داشت و در سال های ورودی بالاتر، به طور معناداری، بر میزان سرمایه فرهنگی عینیت یافته دانشجویان، که اصلی ترین بخش آن به مصرف و مالکیت کالاها و خدمات فرهنگی اختصاص داشت، افزوده شده است. در خصوص تأثیر متغیر «مقطع تحصیلی» بر میزان سرمایه فرهنگی عینیت یافته دانشجویان نیز شاهد روندی افزایشی هستیم؛ درحالی که در بُعد تجسم یافته، روند معکوس بود و با بالاتر رفتن مقطع تحصیلی از میزان سرمایه فرهنگی تجسم یافته دانشجویان (مهارت ها و هنرها) کاسته می شد. در بعد سرمایه فرهنگی نهادینه شده نیز، «زن» ها میانگین بالاتری نسبت به «مرد» ها داشته اند. برحسب «سال ورود» نیز تفاوت محسوس و معناداری بین سرمایه فرهنگی نهادینه شده دانشجویان وجود داشته و هرچه سال ورود بالاتر بوده، به طور معناداری، بر میزان سرمایه فرهنگی نهادینه شده دانشجویان، که اصلی ترین بخش آن به مدارک و گواهی های رسمی در خصوص توانایی های علمی و فرهنگی و مهارت و هنرهایشان اختصاص داشته، افزوده شده است. نکته تأمل برانگیز اینکه این روند افزایشی تا سال های میانی تحصیل (سال های سوم و چهارم) با شیب ملایم اتفاق افتاده و پس از آن دارای شتاب بیشتری می شود؛ به عبارت دیگر، از سال چهارم به بعد، روند افزایش سرمایه نهادینه شده دانشجویان - که به نوعی وجهه رسمی و تأیید سازمانی هنرها و مهارت ها و توانایی های ایشان است - شدت می یابد.

در مقام مقایسه مطالعات داخلی و خارجی نشان می دهند سرمایه فرهنگی نقش تعیین کننده ای در موفقیت تحصیلی دانشجویان پزشکی دارد. در حالی که تحقیقاتی مانند گیوتاکو (۲۰۲۴) و بروسنان (۲۰۱۶) بر تأثیر سرمایه فرهنگی خانوادگی بر پذیرش در پزشکی تأکید دارند، و مطالعات داخلی مانند بنی عقیل (۱۳۹۳) رابطه مثبت سرمایه فرهنگی با عملکرد تحصیلی را نشان می دهند، یافته های جدید الگوی پیچیده تری را آشکار کرده اند. در عین حال، برخلاف پژوهش های پیشین که معمولاً افزایش خطی سرمایه فرهنگی را با پیشرفت تحصیلی مرتبط می دانستند، نتایج جدید حاکی از آن است که در نظام آموزش پزشکی ایران، با پیشرفت تحصیلی، سرمایه فرهنگی تجسم یافته (مهارت های فردی) کاهش یافته و سرمایه فرهنگی نهادینه شده (مدارک رسمی) افزایش می یابد. این امر نشان دهنده تغییر اولویت های نظام آموزشی از مهارت های فرهنگی به مدارک آکادمیک است. علاوه بر این، تفاوت های جنسیتی در ابعاد مختلف سرمایه فرهنگی نیز در یافته های جدید مشهود است، به طوری که مردان در سرمایه فرهنگی تجسم یافته و زنان در ابعاد عینیت یافته و نهادینه شده برتری دارند. این نتایج تا حدی با مطالعات قبلی مانند ابراهیمی (۱۳۹۶) همخوانی دارد. نکته قابل تأمل آنکه اگرچه تحقیقاتی مانند بابایی فرد (۱۳۹۸) نشان داده اند اینترنت می تواند به عنوان کانال کسب سرمایه فرهنگی عمل کند، یافته های جدید حاکی از آن است که ساختارهای نهادی ممکن مانع بهره برداری مؤثر از این سرمایه شوند. این تناقضات نشان می دهد که رابطه سرمایه فرهنگی و موفقیت تحصیلی در پزشکی تحت تأثیر پیچیده ای از عوامل فردی، جنسیتی، نهادی و فرهنگی قرار دارد که نیازمند بررسی های عمیق تر، به ویژه با روش های کیفی است.

نتیجه گیری

بر اساس نظریه سرمایه فرهنگی بوردیو، یافته های این پژوهش نشان می دهد که میدان دانشگاهی به عنوان نهاد بازتولید کننده نابرابری ها عمل می کند. در بعد سرمایه فرهنگی تجسم یافته (مهارت ها و توانایی های فرهنگی)، مردان میانگین بالاتری داشتند و حضور طولانی تر در دانشگاه با کاهش این سرمایه همراه بود که نشان دهنده «تخصیصی شدن افراطی» و تقلیل تنوع فرهنگی در سال های بالاتر تحصیل است. در مقابل، سرمایه فرهنگی عینیت یافته (مالکیت کالاها و فرهنگی) و نهادینه شده (مدارک رسمی) در

زنان بیشتر بود و با افزایش سال‌های تحصیل رشد کرد، که مؤید مکانیسم‌های نهادی دانشگاه در تبدیل سرمایه فرهنگی به اشکال قابل اندازه‌گیری و مدرک‌محور است. این یافته‌ها با نظریه بورديو درباره «تبدیل سرمایه‌ها» و نقش نظام آموزشی در مشروعیت‌بخشی به اشکال خاصی از سرمایه (نهادینه‌شده) همسوست، ضمن آنکه نشان می‌دهد میدان دانشگاهی به‌جای توسعه همه‌جانبه سرمایه فرهنگی، منجر به بازتولید الگوهای جنسیتی (تفاوت زن/مرد) و سلسله‌مراتب تحصیلی (تفاوت مقاطع) می‌شود.

در عین حال پژوهش حاضر نشان می‌دهد دانشگاه به عنوان نهاد آموزشی، در عمل بیشتر به بازتولید اشکال صوری سرمایه فرهنگی (مدارک و مالکیت کالاها) می‌پردازد تا پرورش سرمایه فرهنگی اصیل و چندبعدی. یافته‌ها حاکی از آن است که با پیشرفت تحصیلی، اگرچه سرمایه‌های نهادینه‌شده (مدارک) و عینیت‌یافته (کالاها) فرهنگی افزایش می‌یابند، اما سرمایه تجسم‌یافته (مهارت‌ها و ذائقه‌های فرهنگی) رو به افول می‌گذارد. این تناقض، مؤید نظریه بورديو درباره تبدیل سرمایه‌ها و نقش نظام آموزشی در مشروعیت‌بخشی به اشکال خاصی از سرمایه فرهنگی است که عمدتاً در دسترس طبقات مرفه‌تر قرار دارد. از منظر بورديو، این نتایج نشانگر آن است که دانشگاه به جای ایفای نقش تحول‌آفرین، به بازتولید نابرابری‌های ساختاری دامن می‌زند. تخصصی‌شدن افراطی در مقاطع بالاتر، منجر به تقلیل سرمایه فرهنگی به شاخص‌های کمی و صوری شده و در این فرآیند، ابعاد مولد و کیفی سرمایه فرهنگی (مانند خلاقیت هنری و تنوع ذائقه‌ها) قربانی می‌شوند. این یافته‌ها ضرورت بازاندیشی در سیاست‌های آموزشی را برای حرکت به سمت پرورش همه‌جانبه سرمایه فرهنگی برجسته می‌سازد.

پیشنهاده‌ها

بر اساس یافته‌های پژوهش، پیشنهادهای کاربردی زیر برای بهبود وضعیت سرمایه فرهنگی دانشجویان علوم پزشکی ارائه می‌شود: نخست، بازنگری در برنامه‌های درسی با افزودن دوره‌های میان‌رشته‌ای و فعالیت‌های فرهنگی-هنری برای جلوگیری از کاهش سرمایه تجسم‌یافته در مقاطع بالاتر. دوم، طراحی سیاست‌های جنسیتی جهت کاهش شکاف سرمایه‌ای، از طریق کارگاه‌های مهارت‌محور ویژه زنان و مردان. سوم، اصلاح نظام ارزشیابی با گنجاندن شاخص‌های کیفی مانند مشارکت فرهنگی و مهارت‌های هنری در ارزیابی تحصیلی. چهارم، تقویت زیرساخت‌های دسترسی به کالاهای فرهنگی، مانند کتابخانه‌های تخصصی و پلتفرم‌های دیجیتال، به‌ویژه برای دانشجویان سال‌های بالاتر.

این پیشنهادها بر کاهش نابرابری‌های جنسیتی و تحصیلی، توسعه متوازن ابعاد سرمایه فرهنگی، و تعدیل رویکرد مدرک‌محور در نظام آموزش پزشکی تأکید دارند. اجرای آن‌ها مستلزم همکاری نهادهای دانشگاهی و فرهنگی است تا دانشگاه بتواند به جای بازتولید نابرابری، به نهادی تحول‌آفرین در پرورش همه ابعاد سرمایه فرهنگی تبدیل شود.

منابع

- ایزدی، صمد، جوبیاری، لیلا، بیکی، فریبا، و صفارحیدری، حجت (۱۳۹۳). بررسی ارتباط سرمایه فرهنگی با عملکرد تحصیلی و انگیزه ورود به دانشگاه در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان. *مجله توسعه آموزش در علوم پزشکی*، ۷ (۱۴)، ۱۱-۱۹.
- ابراهیمی، قربانعلی؛ جان‌علیزاده چوب‌بستی، حیدر و بوغلائی، مهدی (۱۳۹۶). بررسی جامعه‌شناختی تأثیر سرمایه فرهنگی بر سبک زندگی دینی دانشجویان (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه مازندران). *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۴ (۱۰)، ۱۳۸-۱۱۳.
- بابائی‌فرد، اسدالله و حیدریان، امین (۱۳۹۸). مطالعه تأثیرات اینترنت بر سرمایه فرهنگی دانشجویان. *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، سال پانزدهم، شماره ۵۶، صص ۲۵۰-۲۲۵.

باینگانی، بهمن (۱۳۸۸). بررسی تاثیر اشکال سرمایه بر رضایت از زندگی (مطالعه موردی جوانان شهرستان پاوه). پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

باینگانی، بهمن و کاظمی، علی (۱۳۸۹). بررسی مبانی تئوریک مفهوم سرمایه فرهنگی. نشریه برگ فرهنگ، شماره ۲۱، صص ۲۱-۸.

بنی عقیل، آمنه السادات، صالحی عمران، ابراهیم، فاضلی، محمد، و فلاح، وحید (۱۳۹۱). ارتباط سرمایه فرهنگی با عملکرد علمی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان سال ۱۳۹۱. مجله توسعه پژوهش در پرستاری و مامایی، ۱۱(۱)، ۱۳-۱۵.

بورديو، پی‌یر (۱۳۸۴). شکل‌های سرمایه، در سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه. گردآوری: کیان تاج‌بخش. ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان. تهران: نشر شیرازه.

بون ویتز، پاتریس (۱۳۸۹). درس‌هایی از جامعه شناسی پی‌یر بورديو. ترجمه جهانگیر جهانگیری و حسن پورسفر. تهران: نشر آگه.

حیدری گرجی، خدیجه، و جباری، نگین (۱۳۹۳). بررسی رابطه سرمایه فرهنگی با میزان کاربست راهبردهای مطالعه و یادگیری دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گرگان. راهبردهای توسعه در آموزش پزشکی، ۱(۲)، ۱۷-۹.

خوش‌فر، غلامرضا. (۱۳۹۷). دانشگاه گلستان: دانشگاه در بستر محلی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

دلانتی، جرارد (۱۳۸۶). دانش در چالش؛ دانشگاه در جامعه دانایی. ترجمه علی بختیاری زاده. تهران. پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

ذکایی، محمدسعید (۱۳۹۴). نابرابری سرمایه‌های فرهنگی در شهر تهران. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، شماره ۴، صص ۱۹۶-۱۶۹.

سپهرنیا، رزیتا؛ دلاور، علی و صالحی امیری، سید رضا (۱۳۹۴). رابطه آموزش با ارتقای سرمایه فرهنگی در ایران. فصلنامه روانشناسی تربیتی، ۱۱(۳۸)، ۱۱۲-۸۵.

عزتی، یونس؛ حقیقتیان، منصور و موذنی، احمد (۱۳۹۸). مطالعه جامعه شناختی رابطه سرمایه اجتماعی با توسعه فرهنگی. مطالعات میان فرهنگی، سال چهارم، شماره ۳۸، صص ۶۴-۳۷.

فاضلی، محمد. (۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی. قم: انتشارات صبح صادق.

فانقی، سحر (۱۳۸۹). رابطه بین سرمایه فرهنگی و اجتماعی در بین شهروندان شهر اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان. دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی.

فانقی، سحر و باینگانی، بهمن (۱۳۹۵). سنجش سرمایه فرهنگی طبقات براساس پایگاه اقتصادی- اجتماعی (مطالعه‌ای در میان شهروندان اصفهانی). جامعه پژوهی فرهنگی، ۷(۳)، ۱۴۹-۱۷۴.

فانقی، سحر و باینگانی، بهمن (۱۳۹۹). ثروت فرهنگی؛ مکملی برای نظریه سرمایه فرهنگی در جوامع چند فرهنگی. فصلنامه علمی-ترویجی جامعه، فرهنگ و رسانه، سال نهم، شماره ۳۵، صص ۷۶-۵۵.

مک گوئیگان، جیم (۱۳۹۷). تحلیل فرهنگی. ترجمه سجاد علیزاده. تهران. پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

وینگر، الیوت. بی و لیروا، آنت (۱۳۹۳). سرمایه فرهنگی و موفقیت تحصیلی. ترجمه بهمن باینگانی و هیرو قاسمی معصوم. نشریه رشد آموزش علوم اجتماعی، دوره هفدهم، شماره ۲، صص ۴۸-۵۱.

- Avci, Y. E., Tösten, R., & Çelik Şahin, Ç. (2020). Examining the Relationship Between Cultural Capital and Self-Efficacy: A Mixed Design Study on Teachers. *Athens Journal of Education*, 7(2), 169-192.
- Babaiefard, A., & Heydarian, A. (2019). The Study of Internet Impact on Cultural Capital of Students. *Cultural Studies & Communication*, 15(56), 225-250. <https://doi.org/10.22034/jcsc.2019.37361> (In Persian).
- Baniaghil, A. S., Salehi Omran, E., Fazeli, M., & Fallah, V. (2014). Relationship Between Cultural Capital and Academic Performance in Golestan University of Medical Sciences' Students, *Journal of Research Development in Nursing and Midwifery*, 11(1), 51-58 (In Persian).
- Bayangani, B. (2009). *The Effect of Forms of Capital on Life Satisfaction (Case Study: Youth in Paveh)*. Master's Thesis, University of Tehran (In Persian).

- Bayangani, B., & Kazemi, A. (2010). Theoretical Bases of Cultural Capital. *Barg-e Farhang Quarterly*, 21, 8–21 (In Persian).
- Bonnewitz, P. (2010). *Lessons From Pierre Bourdieu's Sociology* (J. Jahanbegloo & H. Poorsafir, Trans.). Tehran: Agah. (Original work published 1998) (In Persian).
- Bourdieu, P. (2005). Forms of Capital. In *Social Capital: Trust, Democracy and Development* (K. Tajbakhsh, Ed.), Translated by Afshin Khakbaz & Hassan Pouyan. Tehran: Shirazeh. (Original work published 1986) (In Persian).
- Brosnan, C., Southgate, E., Outram, S., Lempp, H., Wright, S., Saxby, T., Harris, G., Bennett, A., & Kelly, B. (2016). Experiences of Medical Students Who Are First in Family to Attend University. *Medical Education*, 50(8), 842–851. <https://doi.org/10.1111/medu.12995>
- Darin, K. (2012). Cultural Capital and Performance in Medical Education. *Journal of Social Sciences*, 8(3), 397–406. <https://doi.org/10.3844/jssp.2012.397.406>
- Delanty, G. (2007). *Knowledge in Challenge: The University in the Knowledge Society*, Translated by Ali Bakhtiari Zadeh. Tehran: Institute for Cultural and Social Studies. (Original work published 2001) (In Persian).
- Ebrahimi, G., Janalizadei Choobbasti, H., & Boolaghi, M. (2018). Sociological Study About the Impact of Cultural Capital on Religious Lifestyle (Case Study: University of Mazandaran's Students). *Sociology of Social Institutions*, 4(10), 113–138. <https://doi.org/10.22080/ssi.2018.1738> (In Persian).
- Ezati, Y., Haghighatian, M., & Mowzooni, A. (2019). A Sociological Study of the Relationship Between Social Capital and Cultural Development. *Intercultural Studies*, 4(38), 37–64 (In Persian).
- Faeghi, S. (2010). *The Relationship Between Cultural and Social Capital Among Citizens of Isfahan*. Master's Thesis, Islamic Azad University, Isfahan Branch (In Persian).
- Faeghi, S., & Bayangani, B. (2020). Cultural Wealth; A Complement to the Theory of Cultural Capital in Plural Societies. *Society Culture Media*, 9(35), 55–76 (In Persian).
- Fazeli, M. (2003). *Consumption and Lifestyle*. Sobh-e Sadegh Publications (In Persian).
- Giotakou, A. (2024). Higher Education and Cultural Capital: The Role of Parental Education in Greek Medical School Choices. *International Journal of Current Education Studies (IJCES)*, 3(2), 37–50. <https://doi.org/10.46328/ijces.14>
- Guttman, O. R., & Lingard, L. (2010). Credentials as Cultural Capital: The Pursuit of Higher Degrees Among Academic Medical Trainees. *Academic Medicine*, 85(10), S21–S24. <https://doi.org/10.1097/ACM.0b013e3181ed4097>
- Heidari Gorgy, K., Jabbary, N., & Koochaki, G. M. (2014). The Study of the Relationship Between Cultural Capital With Students' Learning and Study Strategies in Golestan University of Medical Sciences. *DSME*, 1(2), 9–17 (In Persian).
- Inglis, D. (2005). *Culture and Everyday Life*. Routledge.
- Izadi, S., Jouybari, L., Bikhi, F., & Safarheidari, H. (2014). The Relationship of Cultural Capital With University Entrance Motivation and Academic Performance of Golestan University of Medical Sciences' Students. *Journal of Medical Education Development*, 7(14), 11–19 (In Persian).
- Khoshfar, G. (2018). *Golestan University: A University in a Local Context*. Institute for Cultural and Social Studies (In Persian).
- Liao, Q. (2022). Cultural capital and habitus in the field of higher education: Academic and social adaptation of rural students in four elite universities in Shanghai, China. *Journal of Education and Work*, *35*(8), 775–793. <https://doi.org/10.1080/13639080.2022.2059011>
- Lievens, J., & Willekens, M. (2014). Family (and) Culture: The Effect of Cultural Capital Within the Family on the Cultural Participation of Adolescents. *Poetics*, 42, 98–113.
- Lizardo, O. (2011). Pierre Bourdieu as a Post-Cultural Theorist. *Cultural Sociology*, 5(1), 25–44.
- McGuigan, J. (2018). *Cultural Analysis*, Translated by Sajad Alizadeh. Tehran: Research Institute for Culture, Art and Communication. (Original work published 2010) (In Persian).
- Nash, K. (2001). The Cultural Turn in Social Theory: Toward a Theory of Cultural Politics. *Sociology*, 35(1), 77–92.

- Nechitailo, I., Nazarkin, P., Biriukova, M., Standik, O., Boriushkina, O., & Rozova, O. (2022). Opportunities and Some Results of Measuring Cultural Capital in Sociological Research Practice. *Journal of Interdisciplinary Research*, Special Issue (11/01-XVII), 159–166.
- Preston, P. (2005). *The Cultural Turn Versus Economic Returns: The Production of Culture in an Information Age*. <http://www.theirelandinstitute.com/republic/04/pdf/preston004.pdf>
- Peterson, R. A., & Kern, R. M. (1996). Changing highbrow taste: From snob to omnivore. *American Sociological Review*, 61(5), 900-907. <https://doi.org/10.2307/2096460>
- Santoro, M. (2011). From Bourdieu to Cultural Sociology. *Cultural Sociology*, 5(1), 3–23.
- Sepehrnia, R., Delavar, A., & Salehi Amiri, S. R. (2015). Study of the Relationship Between Education and Promotion of Cultural Capital in Iran. *Educational Psychology*, 11(38), 1–28 (In Persian).
- Silva, E. (2017). Cultural Capital. In B. Turner (Ed.), *The Encyclopedia of Social Theory* (pp. 547–554). Wiley.
- Storey, J. (2009). *Cultural Theory and Popular Culture: An Introduction*. Pearson Education.
- Sullivan, A. (2003). Cultural Capital and Educational Attainment. *Sociology*, 35(4), 893–912.
- Weininger, E. B., & Lareau, A. (2014). Cultural Capital and Academic Achievement. *Social Science Education Journal* (B. Bayangani & H. Ghasemi Masoum, Trans.), 17(2), 48–51 (In Persian).
- Willekens, M., & Lievens, J. (2014). Family (and) culture: The effect of cultural capital within the family on the cultural participation of adolescents. *Poetics*, 42, 98-113. <https://doi.org/10.1016/j.poetic.2013.11.003>
- Wong, Y.-L., & Liao, Q. (2022). Cultural Capital and Habitus in the Field of Higher Education: Academic and Social Adaptation of Rural Students in Four Elite Universities in Shanghai, China. *Journal of Education and Work*, 35(8), 775–793. <https://doi.org/10.1080/13639080.2022.2059011>
- Yosso, T. J. (2005). Whose Culture Has Capital? A Critical Race Theory Discussion of Community Cultural Wealth. *Race Ethnicity and Education*, 8(1), 69–95.
- Zokaei, M. S. (2016). Inequalities in Cultural Capital in Tehran. *Journal of Iranian Cultural Research*, 8(4), 169–196. <https://doi.org/10.7508/ijcr.2015.32.007> (In Persian).